

**تحلیل سیاسی هفته (۵۸)
برگزاری نشست ژنو ۲ و آینده سیاسی سوریه****مقدمه**

نشست ژنو ۲ در شهر مونترال سوئیس روز چهارشنبه دوم بهمن ماه برگزار می‌شود. انتظار از ژنو ۲ این بوده است که در این نشست همه طرف‌های درگیر داخلی و خارجی بر سر موضوع مهم پایان بحران سوریه به گفتگو پرداخته و نیز مبارزه با تروریسم و تشکیل دولتی متشکل از همه جریان‌های موافق و مخالف با رجوع به آرای مردم خروجی اصلی آن باشد. نکته مهم در مورد این نشست مربوط به دعوت دیرهنگام از جمهوری اسلامی ایران است. این دعوت خود مهر تأییدی بر نقش مهم و مؤثر کشورمان در معادلات منطقه بود، اما در عین حال ایستادگی ایران بر مواضع مستقلانه خود مبنی بر عدم پذیرش هرگونه پیش‌شرط برای حضور در ژنو ۲ در کنار تحرکات مخرب بازیگرانی چون عربستان سعودی نهایتاً موجبات برگزاری این نشست بدون حضور ایران را فراهم ساخت. این درحالی است که بسیاری از صاحب‌نظران با در نظر گرفتن نقش و اهمیت بی‌بدیل ایران در منطقه اعتقاد دارند که بدون حضور ایران، نشست ژنو ۲ از پیش شکست خورده است. از سوی دیگر با توجه به مواضع اتخاذ شده توسط مخالفان و از هم گسیختگی آنها بعید به نظر می‌رسد این نشست دستاورد مشخصی برای سازمان‌دهندگان آن داشته باشد.

حضور ائتلاف ملی سوریه در نشست ژنو ۲

دو طرف بین‌المللی در بحران سوریه یعنی روسیه و آمریکا به‌عنوان حامیان دولت سوریه و گروه‌های مسلح مخالف، تلاش کردند تا به نوبه خود زمینه را برای حضور طرف‌های اصلی در نشست ژنو ۲ فراهم کنند. روسیه به واسطه انسجام دولت سوریه جهت قانع کردن سران دمشق برای حضور در این نشست از همان ابتدا مشکلی نداشت اما واشنگتن به دلایل زیر برای هماهنگ کردن مخالفان با مشکلات عمده‌ای مواجه بود:

۱. ناهماهنگی سیاسی گروه‌های مخالف چنان‌که در ائتلاف ملی عملاً چند جریان اسلامی، لیبرال و سکولار حضور دارند،
 ۲. وابسته بودن هر یک از جریان‌های سیاسی در ائتلاف به یکی از کشورهای منطقه،
 ۳. نابودی موجودیتی به‌نام ارتش آزاد و تشکیل جبهه الاسلامیه که خود را وابسته به هیچ نهاد سیاسی خاصی نمی‌بیند و شکست‌های پیاپی این جبهه از ارتش سوریه و داعش،
 ۴. قدرت‌گیری گروه‌های مسلح جبهه النصره و دولت اسلامی عراق و شام در سوریه،
 ۵. رقابت کشورهای عربستان، ترکیه و قطر برای اثرگذاری بر روندهای جاری در ائتلاف استانبول،
- کاخ سفید برای قانع کردن مخالفان جهت حضور در نشست مونترال تلاش خود را بر سه محور عمده متمرکز کرد:
- الف) فشار بر کشورهای حامی گروه‌های سیاسی و مسلح مخالف؛ در این راستا عربستان، ترکیه و قطر تحت فشار آمریکا

قرار گرفتند. جان کری وزیر امور خارجه این کشور در کمتر از یک ماه دو بار به ریاض رفت تا سران سعودی را از واقعیت‌های جدید نظام بین‌الملل و منطقه آگاه کند. در همین راستا اعلام شد که واشنگتن مدیریت پرونده سوریه را از بندر بن سلطان گرفته تا نقش مخرب عربستان پیش از نشست مذکور بر آن سایه نیافکند.

ب) فشار داخلی بر گروه‌های سیاسی در ائتلاف ملی؛ به این منظور رابرت فورد سفیر آمریکا در روز ۱۵ ژانویه سران همه گروه‌های مخالف در استانبول را فرا خواند و در نشستی مشترک به آنها یادآوری کرد که هیچ چاره‌ای بجز حضور در نشست ژنو ۲ ندارند و در غیر این صورت از حمایت‌های واشنگتن محروم خواهند شد.

ج) فشار بر گروه‌های مسلحی که پس از نابودی تقریبی ارتش آزاد توسط عربستان، قطر و ترکیه تحت عنوان جبهه الاسلامیه جریان جدیدی را شکل داده‌اند. سران این گروه‌های مسلح، به شدت مخالف حضور در نشست ژنو ۲ بوده و دلیل آن را نیز پیشروی‌های مکرر ارتش سوریه و شکست‌های پیاپی خود اعلام می‌کنند، زیرا آنها در موقعیت ضعف قرار دارند. دیپلمات‌های آمریکایی به سران این گروه‌ها یادآور شدند که تنها در صورت تأیید حضور در این نشست همچنان کمک‌های این کشور را دریافت خواهند کرد. فشارهای همه‌جانبه آمریکا بالاخره نتیجه داد و ائتلاف ملی سوریه در بیانیه‌ای که احمد عاصی الجربا رئیس آن خواند، موافقت مشروط خود با حضور در سوئیس را اعلام کرد. اما اعمال این شرط، خود برخلاف توافق مسکو - واشنگتن برای برگزاری موفقیت‌آمیز نشست بود.

آنچه مشخص است، آمریکا نتوانسته همه هژمونی خود را برای قانع کردن مخالفان و حامیان خارجی آنها جهت حضور در نشست ژنو ۲ به کار گیرد. به عبارت دیگر، آمریکا در میان حامیان گروه‌های مخالف سوری دیگر هژمونی تأثیرگذاری ندارد که بخواهد از آن طریق، سران ائتلاف را راضی به مشارکت بدون قید و شرط در این نشست کند. از این رو، اعضای ائتلاف با تحریک کشورهای ذینفع برای ناکام گذاشتن آن با عدم مشارکت خود تلاش می‌کنند.

مشروط شدن مشارکت ایران و دیدگاه تهران

آمریکا به عنوان یکی از مهمترین بازیگران بین‌المللی در بحران سوریه که همراه جریان‌های مخالف سیاسی و مسلح آن است و از آنها همه‌گونه حمایت به عمل می‌آورد، شرط حضور ایران در نشست ژنو ۲ را پذیرش متن توافقی ژنو ۱ از سوی تهران تعیین کرد. واشنگتن به خوبی از این مسئله آگاه بود که حضور و عدم حضور کشورمان در این نشست، برای تهران بازی برد - برد محسوب می‌شد، بنابراین تلاش داشت تا هم مانع از شکست نشست شود - زیرا در صورت چنین رویدادی، این آمریکا خواهد بود که مورد سرزنش قرار خواهد گرفت که چرا مانع از دعوت ایران شد - و هم ایران را در موقعیت ضعیف‌تری قرار دهد تا نتواند بازیگری تأثیرگذار خود را در این معادله داشته باشد.

از این رو، مشروط شدن مشارکت ایران در این نشست، در واقع اقدامی برای کاستن از توان تأثیرگذاری ایران و نقش‌آفرینی هیئت دیپلماتیک اعزامی به شهر مونترو بود. ویتالی چورکین نماینده روسیه در سازمان ملل متحد ضمن استقبال از دعوت ایران به نشست مذکور تأکید کرد که دعوت از تهران، با درایت و رایزنی مستمر مسکو - واشنگتن و دیگر طرف‌های تأثیرگذار بر روند تحولات سوریه صورت گرفته است.

در ایران نیز مقامات کشورمان، با این استدلال که ایران در نشست ژنو ۱ حاضر نبوده و در تصمیم‌گیری‌ها و همچنین تدوین بیانیه پایانی آن مشارکتی نداشته، پیش‌شرط طرف آمریکایی را فاقد وجاهت قانونی و بین‌المللی دانسته و تأکید کردند که در صورت اعلام پیش‌شرط به شرکت در این نشست حاضر نخواهند شد.

البته دعوت دبیرکل سازمان ملل از ایران برای حضور در ژنو ۲ عربستان سعودی را هم آشفته کرد. این کشور که مهمترین حامی گروه‌های مسلح تکفیری و غیرتکفیری از همه گرایش‌ها محسوب می‌شود، حضور تیم دیپلماتیک کشورمان را بر نتافت و مدعی شد که ایران نمی‌تواند نقش مثبتی در این نشست داشته باشد. عربستان با آگاهی از قدرت فزاینده ایران، مخالفت سرسختانه‌ای برای حضور ایران در نشست به عمل آورد. نهایتاً دعوت از ایران برای شرکت در نشست پس گرفته شد. با این حال عدم حضور کشورمان در ژنو ۲ بیش از آنکه ناشی از تحرکات ریاض باشد از موضع مستقلانه ایران در زمینه نپذیرفتن پیش‌شرط حضور نشئت می‌گیرد.

وضعیت دو طرف متخاصم در نشست ژنو ۲

دولت سوریه و متحدانش و مخالفان و حامیان خارجی آنها هر کدام با یک دستور کار خاص و کاملاً متناقض به سوئیس می‌روند. آمریکا و دیگر حامیان مخالفان بر این باور هستند که وزرای خارجه ایران، روسیه و سوریه در نشست هفته گذشته خود در مسکو، بر چارچوبی خاص برای آینده سوریه توافق کرده‌اند که کارکرد نهایی آن با توجه به یکدست نبودن مخالفان، کاملاً به نفع دمشق است.

هیئت سوریه با همین اطمینان خاطر، طرحی هفت‌بندی را با خود به مونترال خواهد برد که شامل موارد ذیل است:

۱. پیشنهاد آتش‌بس در حلب. این طرحی است که ولید معلم در مسکو آن را اعلام کرد. در واقع ارائه این طرح آشفتگی بسیاری در اردوگاه مخالفان به وجود آورده و کری از آن به عنوان حقه‌بازی طرف سوریه یاد کرده است. مشخص است که حلب و مناطق اطراف آن جولانگاه گروه‌های مسلح مخالف، تکفیری و تروریست‌ها از همه مناطق است و توافق در این مورد بسیار سخت است. زیرا عدم پذیرش آن توسط مخالفان آنها را گروهی جنگ‌طلب معرفی خواهد کرد که نمی‌خواهند مشکلات مردم پایان یابد و این اندک پایگاه مردمی باقی‌مانده را از آنها خواهد گرفت، پذیرش آن نیز گروه‌های مسلح مانند جبهه اسلامی و جیش المجاهدین را در برابر گروه‌های تندروتری مانند داعش و جبهه النصره به عنوان خیانتکار معرفی خواهد کرد.

۲. عدم پذیرش مطلق هر سخنی که در مورد اختیارات و آینده رئیس‌جمهور سوریه باشد. این مسئله از طرف نظام سوریه و متحدانش، امری داخلی است که بدون دخالت خارجی باید به آن رسیدگی شود.

۳. تلاش برای انتقال دور بعدی گفتگوها به داخل سوریه با این رویکرد که ژنو ۲ آخرین نشست در نوع خودش در خارج خواهد بود.

۴. عدم مذاکره با هر گروه رسمی مذاکره‌کننده‌ای که مورد تأیید رئیس‌جمهور سوریه نباشد، این امر بدان معناست که بشار اسد یک شریک تمام عیار در مذاکرات است.

۵. سوریه به ارسال کمک‌های انسانی مطابق با توافقنامه‌ها اجازه خواهد داد مشروط به اینکه تحت نظر کامل دولت باشد.

۶. توافق در مورد یک سازوکار معین برای مبادله اسرا و زندانیان. این مسئله شامل افراد و گروه‌های متهم به ارتباط با القاعده و دیگر سازمان‌های تروریستی نخواهد شد.

۷. مخالفت با هر گونه تعیین سقف زمانی برای رسیدن به توافق.

در برابر این طرح منسجم دولت سوریه، به نظر نمی‌رسد مخالفان طرح مدونی داشته باشند. خواسته‌های تکراری مانند کناره‌گیری اسد، انحلال حزب بعث، منحل کردن سازمان‌های امنیتی، کناره‌گیری همه اعضای دولت فعلی و ... مسائلی نیست که مورد استقبال قرار گیرد، زیرا، در شرایط فعلی این ارتش و نیروهای متحد آن هستند که دست برتر را دارند و مخالفان در همه مناطق در محاصره بوده و یا با هم درگیرند.

مبارزه با تروریسم در سوریه، خروجی ژنو ۲

سوریه در حال حاضر به بستری مناسب برای جذب و پرورش نیروهای تندرو افراطی و تکفیری وابسته به القاعده تبدیل شده است. گزارش روز دوشنبه روزنامه انگلیسی دیلی تلگراف در مورد آموزش صدها شهروند اروپایی توسط القاعده در سوریه و اعزام آنها به کشورهای مبدأ، طرح یک نگرانی بین‌المللی در سوریه است که تنها دو روز پیش از نشست ژنو ۲ توسط یک روزنامه راست‌گرای انگلیسی که به سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی این کشور وابسته است، منتشر می‌شود.

درواقع امروز بسیاری از مناطق سوریه مکانی برای حضور جریان‌های وابسته به القاعده شده است. دولت اسلامی عراق و شام، جبهه النصره و گردان الخضراء به صورت رسمی نمایندگی القاعده را دارند و برخی از جریان‌های درون جبهه الاسلامیه مانند احرار الشام نیز از نظر فکری و رفتاری بی‌شباهت به القاعده نیستند.

بنابراین این پیش‌بینی چندان دور از واقعیت نیست که نشست ژنو ۲ با توجه به حجم وسیع تهدیدات القاعده برای امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی به مدخلی برای ورود به مبحث مهم مبارزه با تروریسم تبدیل شود. پیش از این آمریکایی‌ها به این نتیجه رسیده بودند که ساختار نیروهای نظامی و امنیتی سوریه برای مقابله با چنین تهدیداتی باید دست نخورده باقی بماند و افسران و مسئولان امنیتی بسیاری از کشورهای اروپایی جهت هماهنگی با سازمان امنیت سوریه، بارها به دمشق سفر کرده‌اند تا از سرنوشت شهروندان خود که به سوریه آمده‌اند، کسب اطلاع کنند.

نتیجه‌گیری

بنابر یک تعبیر، نشست ژنو ۲ یک بمب ساعتی است که مشخص نیست برای چه زمانی تنظیم شده و خروجی آن چه خواهد بود. آنچه از فضای روزهای پیش از برگزاری نشست برمی‌آید، همه طرف‌ها - بجز مخالفان که چیزی جهت ارائه ندارند - برای گرفتن یک خروجی مناسب در آن تلاش خواهند کرد. سخنان مقامات آمریکایی مبنی بر تغییر مسئول پرونده سوریه و لبنان در عربستان و به مرخصی رفتن بندر بن سلطان، نزدیک شدن به تشکیل دولت ائتلافی در لبنان با مشارکت اعضای جریان ۱۴ و ۸ مارس، حمله همه‌جانبه ارتش عراق برای سرکوب القاعده در مناطق غربی این کشور با حمایت منطقه‌ای و بین‌المللی، نبرد گسترده گروه‌های مسلح سوری علیه دولت اسلامی عراق و شام موسوم به داعش؛ همه نشانه‌هایی از این تلاش‌ها به شمار می‌رود.

در مورد بحران سوریه، شرط لازم برای بازگشت ثبات به این کشور و ارتقای امنیت منطقه پیش از هر چیز نیازمند تجدیدنظر حامیان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تروریست‌های درگیر در این کشور است. اگر نشست ژنو براساس توجه به این واقعیت و سایر واقعیات موجود سامان یابد می‌تواند مبنایی برای حل مشکلات منطقه باشد. در غیر این صورت آثار مخرب ناشی از سیاست‌های غلط گذشته از جمله رشد و پرورش گروه‌های تروریستی کماکان گریبان حامیان تروریست‌ها را خواهد گرفت. جمهوری اسلامی ایران با در نظر گرفتن واقعیات موجود بر این موضع اصولی تأکید می‌ورزد که حل بحران سوریه باید به دست مردم این کشور به انجام برسد و دخالت قدرت‌های خارجی و تسلیح و تجهیز گروه‌های تروریستی توسط آنها صرفاً به تداوم ناامنی‌ها در این کشور کمک می‌کند.